

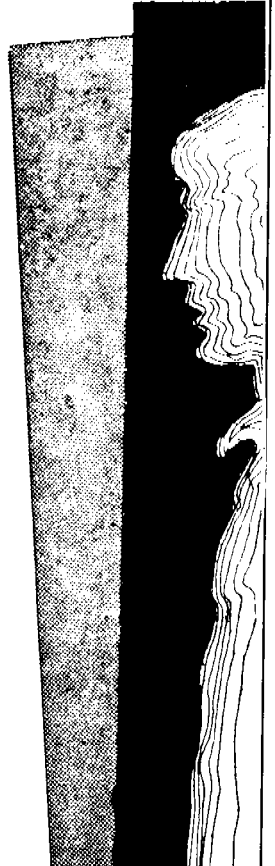
فصل ۳- اصولی در پاسخ به سئوالات

کفتم کودک اصرار دارد برای سئوالات خود پاسخی بناید و از این طریق بر سطح دانش و معرفت خود بیفزاید. اما در پاسخ به سئوالات کودک نخست این مساله را باید توجه داشت که از نظر روانشناسی طفلی که از موضوعی می‌رسد به احتمال قوی رشدش در حدی هست که نتواند پاسخ آن را هم بشنود و از آن سر درآورد. این اصل در عین اینکه کلیت ندارد برای پدر و مادر هشدار دهنده است.

نکته دیگر این است که اگر والدین از پاسخ به سئوال کودک ظفره روند و یا پاسخ او را ندهند باید دید که آیا طفل از آن صرفنظر خواهد کرد یا بگونه‌ای دیگر سعی خواهد داشت آن را دریابد و از پاسخ سر درآورد؟ در صورت دوم او سئوال خود را از چه کسی خواهد پرسید؟ منبع اطلاعاتش کجا و چه کسی خواهد بود؟ آیا شما می‌پسندید که او با افراد دیگری که چون شما دلسوز و آگاه به مصالح کودک نیستند تماس بگیرد و ارتباط برقرار نماید؟ آیا درست است که افراد بالغی با او در معاشرت و گفتگو باشند؟ اگر او در این ارتباط چیزهای نامربوطی آموخت مسئولش کیست؟

از جهت سوم این مراقبت باید صورت گیرد محیط تربیتی و نحوه پاسخ به سئوال بگونه‌ای باشد که طفل را دچار بدآموزی نکند و موجبات لغزش یا انحراف او را فراهم نیاورد. و یا محیط آنچنان بدآموز و یا تحریک کننده نباشد که طفل را به کنجکاو و وادارد و زمینه را برای سئوالات او در این باره فراهم نماید.

علی ایسری



تغذیه
جلسه

کودکان و نوجوانان

نیست. شرایط و امکاناتی باید در فرد جمع باشد تا پاسخها موثرترند. آن شرایط بنظر ما عبارتند از:

۱- شنونده خوب بودن بدین معنی که برخورد مسلط باشیم و بگذاریم جمله سئوالی کودک تمام شود و حتی اگر در ضمن یک سئوال مطلب دیگری را هم میخواهد بیان کند در آن آزاد باشد که این امر در ساخت او واکنیزه سئوالش و منشائی که برش را از آنجا بدست آورده مؤثر است.

۲- آمادگی فکری و علمی برای پاسخ به سئوالات بکونهای که جدا " برای کودک بدآموز نباشد و راه و رسم موضعگیری را به او بدهد و البته در این راه شیوهها و اصول اسلامی باید مورد نظر باشند.

۳- تسلط برخورد بصورتی که از نگرانی و شرم دچار لکنت زبان نشود و بتواند حقیقت را آنچنان که مورد نظر است به کودک بگوید، رنگ باختن، سرخ و سفید و سیاه شدن چاره درد نیست و رفتاری را که پاسخ دهنده در این رابطه پیدا میکند باید همانند حالات و رفتار کودک باشد.

۴- شیوه بیان به کونهای باشد که اعتماد طفل را به صحت امر و مساله‌ای جلب کند و کودک دریابد که او سرهم بندی نکرده و بیحساب نمی‌گوید و با قصد او فریب دادن کودک نیست. لحن شما را لحنی جدی حساب کند.

شرایط پاسخ

اما اینکه خود پاسخ چه ویژگیها و شرایطی داشته باشد امری است که درباره آن هم تأملی کافی لازم است و ما ذیلاً "مواردی از آن را هم ذکر میکنیم:

۱- پاسخها درست باشند آنچنان که آمیخته با

مشکل والدین در دادن پاسخ

والدین در دادن پاسخ به کودکان با مشکلات متعددی مواجهند که رفع همه آنها از عهده همگان برآمده نیست ولی در همه حال چارای جز موضعگیری درست و اندیشیده در این رابطه وجود نخواهد داشت. اما آن مشکلات در این رابطه بسیار و از آن جمله‌اند:

— شرم و حیای بسیار مانع آن است که پدران و مادران همه لغات و اصطلاحات را در این رابطه بکار برند.

— همه گاه به مصلحت کودک نیست که همه مسائل را در همه سنین بداند و والدین در این مصلحت اندیشی گرفتارند.

— برخی از والدین میخواهند حقایق را به کودک بگویند ولی از شیوه درست آن بیخبرند.

— بعضی وحشت از این دارند که پاسخها برای کودک بدآموز باشند و بدین نظر از آن میگریزند ولی بنظر ما توجه به نوع سئوال و تعمق در باره انکیزه‌ها و علل آن خود میتواند راهنمای خوبی برای والدین و مربیان باشد که بدانند چگونه باید موضع گرفت. در پاسخ به سئوالات دریافت این نکته مهم است که چه امری باعث شده است که یک زمینه‌ای در کودک بوجود آید و منجر به چنین پرسشی شود. و البته در آن صورت میتوان دریافت که چه بگوئیم و چه چیز بگوئیم.

شرایط پاسخ دهنده

ماگمان داریم هرکسی قادر به دادن پاسخ به سئوالات کودکان بویژه در جنبه‌های جنسی

پاسخها در این زمینه باید محدود و در حد راهنمایی و ارضاء حس کنجکاو کودکان باشد نه بالا بردن سطح اطلاعات و احیانا " بیدار کردن او در این زمینه که آن خود وقت و زمان دیگری دارد .

برهیزهای لازم

در دادن پاسخ به سئوالات کودکان چند مساله را باید مورد توجه قرار دهیم که آن هم خود در سازندگی و اصلاح کودکان و با اقتناع روح کنجکاویشان موثر است و ماذیلا " در این مورد هم مسائلی را مطرح میکنیم :

۱- برهیز از شرح و بسط بيمورد :

در پاسخ به سئوالات جنسی کودکان و نوجوانان برخی از مریبان خیلی جانب کودک رامیگیرند و میگویند هرچرا که او سئوال کرد جواب دهید . گمان ما این است که چنین افرادی رنگ در کفش دارند . زیرا هم اینان معتقدند اگر مثلا " کودک ۶ ساله ای در مورد قضیه فیثاغورث و مسائل جبر و اختیار پرشی داشت نباید خسته شان کرد و نباید ذهن کودک را به این قبیل مسائل گرفتار کرد ولی وقتی مساله سرجنس مطرح میشود اصرار دارند باکمال تفصیل گفته شود . بنظر میرسد از شرح و بیان این قبیل مسائل برای خودشان هم لذت سمعی حاصل شده و دلشان را آرامش خواهد داد !!

از نظر ما اگر کودک در این باره سئوالی کرد لازم نیست آن را بصورت یک درس رسمی ، آن هم برای دانشجو مانند ، آنهم دانشجویی که ازدواج کرده و از کله امور سردر می آورد مطلبی بگوئید .

خرافات و اوهام نباشند . برای اساس ضروری است درباره پاسخی که میخواهیم به کودک بدهیم اندیشه لازم را معمول داریم . اصولا درست پاسخ دادن خود نیمی از مسائل بعدی را حل خواهد کرد .

۲- پاسخها ساده باشند بگونه ای که با منطق و بیان کودک سازگار بوده و طفل بتواند از آن سر در آورد . بکار بردن لغات علمی مثل هورمون واز این قبیل برای کودک قابل درک نیست .

۳- پاسخها بدآموز و منحرف کننده نباشد و به کودک درس بدی ندهد و باراهنمای بدی برای عمل بعدی او نباشد و البته این خود نیازمند به هنر است . ظرافت کاریهایی در پاسخ لازم است تا طفل ضمن درس درست آموختن از عوارض دوروبر کناری باشد .

۴- پاسخها اقتناع کننده باشند بگونه ای که کودک خود را نیازمند به این امر نپسند که همین سئوال را از دیگران هم پرسد و توضیح بیشتری بخواهد . و با طفل ناگزیر نباشد همان سئوال را بوجهی دیگر و با دامنهای بیشتر برای شما مطرح کند . البته ممکن است در همین توضیح مختصر شما کودک قانع شود . در آنجا توضیح بیشتر لازم نیست .

۵- در پاسخها تناسب سن و درک و جنس مراعات شود . در سنین بالاتر پاسخها باید مفصلتر و عمیقتر باشند و حتی پاسخ امسال شما باید بیشتر و سازنده تر و تکمیل کننده پاسخ سال قبل باشد .

۶- پاسخها همراه با مسخره و شوخی ، هرزگی و تحریک نباشد و بجای ادب و اخلاق حسارت و وقاحت را ترویج نکند و یا سبب آن بشود ستر و حجاب فیما بین شما و کودک پاره گردد .

۳- پرهیز از ابهام :

پاسخهایی که به کودکان میدهید نباید به صورتی باشد که طفل را گیج کند و یا او را درگیر اوهام و خرافات نگه دارد. شما میگوئید بچه را کلاغ آورده است و او همیشه در پی آن است و انتظار آن را دارد که کلاغی را در حال آوردن بچه ببیند و در صورتی که خلاف آن برایش ثابت شود جدا " ناراحت میشود .

پاسخها باید سر راست ولی محدود و در عین حال اطمینان بخش باشد. مشکل کودک را حل کند نه آنکه مشکل دیگری برمشکلاتش بیفزاید و همه پاسخها نباید بگونه ای باشند که اطلاعات غلطی در اختیار کودک قرار دهند و او پایه دیسگر اظهار نظرش را بر آن قرار دهد .

۴- پرهیز از پاسخ :

در مواردی باید از پاسخ دادن خودداری کرد و حتی به صراحت به کودک گفت : این سؤال را بعداً" به توجواب میدهم ، تو الآن برای فهمیدن آن خیلی کوچک هستی . زود بزرگ خواهی شد و آن را خواهی فهمید . اما حالا بیا برایت داستان دیگری بگویم ... و برای آن اساس یک جایجائی در ذهن او پدید آورید .

در این مورد نگران نشوید و حرف دیگران را باور نکنید که اگر به سؤال طفل جواب ندادید او عقده ای خواهد شد و یا افسرده شده و تسلط خود را بر شخصیت از دست خواهد داد . چنین چیزی درست نیست . خود کودکان این نکته را می فهمند و هم باید آن را بفهمند که بسیاری از مطالب شان در سنین بعدی آموخته میشود .

او کم تجربه تر و بی نیاز تر از آن است که با کثرت توضیحات شما در این باره ملاً شود . او فطرتاً" در این مورد ملاًست — برایش دل نسوزانید . اگر هم چیزی را امروز ندانست ، فردا خودش یاد خواهد گرفت .

مناسفانه برخی از فرویدست ها معتقدند که اگر طفل سئوالی کرد نه تنها کاملاً" باید به او جواب داد بلکه حتی او را بصورت عملی هم باید آگاه کرد . حتماً" بنظر آنها باید لابراتواری در زمینه جنس پدید آید و همه چیز را به کودکان یاد دهد ! اگر کودک بپرسد از کجا می آید ؟ کافی است بگوئید در شکم مادر بوده ای و خیلی کوچک بوده ای و خدا ترا بزرگ تر کرد و بعد هم بدنی آدمی ، شیر خوردی ، بزرگ شدی طفل به همین میزان قانع میشود لازم نیست با شرح و بسط بیشتری خودتان و طفل را به رحمت بیندازید .

۲- عدم دروغ :

برخی از والدین و مربیان برای اینکه خود را از درد سر سئوالات پی در پی کودکان نجات دهند به دروغ متوسل میشوند . مثلاً" میگویند بچه بر درمغازه ای آویخته بود و او را خریدم و یا پدر و مادر بهم فوت میکنند بچه بدنی می آید و ... این دروغ سازی ها در وضع موجود کودک را ساکت میسازد ولی اثرات بعدی آن در فاصله زمانی کمی پیدا خواهد شد . طفل ۵-۶ ساله دیگر پس از همین مدت به دوره نوجوانی میرسد و از حقایق و اسرار بصورت های دیگری مطلع خواهد شد و در آن صورت حساب کنید چه بدبینی و سلب اعتمادی برای او حاصل خواهد کردید .



گاهی می‌توانید به کودک وعده دهید که بعداً به سؤال او پاسخ خواهید داد و فعلاً وقت ندارید. نا فرضی بدست آید که رسیده - سازی‌های لازم صورت گیرد. این راهم بدانید که بسیاری از کودکان مسائلی را امروز می‌بینند و یامی‌شنوند و خیلی زود آن را فراموش می‌کنند غرض این است چنین ضروری از نظر علمی وجود ندارد که بهمه سئوالات کودکان باهمه برده‌کاری - ها و شرح و بسط‌ها بپردازیم .

نکاتی دیگر

۱- برخی از نویسندگان سئوالات احمقانه‌ای را مطرح کرده‌اند. و به پاسخ پرداخته‌اند که تحقق آن سؤال در هیچ خانواده‌ای وجود ندارد مگر آنکه که پدر و مادر بی‌بند و بار باشند. مثلاً " این سئوالات را مطرح کرده‌اند که بچه می‌پرسد؟ - چرا آلت تناسلی پدر از مال من بزرگتر است؟ چرا من آلت ندارم و داداش دارد؟ چرا بابا دارد و مامان ندارد؟ چرا مال من این چنین مال خواهرم آنچنان و از این مزخرفات . مگر کودک در محیط لختی‌ها زندگی میکند؟ مگر بابا و مادر حیا ندارند؟ که چنین لخت و پنی هستند؟ مگر برادر و خواهر یکدیگر را بصورت لخت مشاهده میکنند؟ مگر در خانه ضابطه‌ای و انضباطی نیست؟ و

حال فرضاً که پدر و مادر این چنین باشند دیگر در این خانه تربیتی نیست تا سؤال تربیتی مطرح شود؟ پدر و مادری که این اندازه بی بند و بار باشند دیگر از سؤال کودک چه باکی دارند؟

۲- انحراف از سؤال خود می‌تواند سببی برای والدین باشد که کودک را به سوی دیگری جهت دهد و برخی از سئوالات که بنظر وقیحانه می - آیند مطرح نشوند .

۳- در شنیدن و پاسخ به سؤال بایستی حویشتن دار ، محرم راز ، قابل اعتماد نبودن کودک حرفهای خود را با آنان در میان نگذارد .

۴- اگر به همه سئوالات جواب نمی‌دهید مراقب باشید که کودک را دست نیندازید و برسادکیش نخوانید .

۵- برخی از پاسخها را میتوان در پرده در لفافه گفت به گونه‌ای که طفل در عین حال آن را بفهمد اصرار نداشته باشید که همه چیز را بی - پرده و عریان بگوئید .

۶- بیان مسائل بگونه‌ای که شگفت‌انگیز باشد خود در اوقات بچه‌ها مؤثر است . مثلاً " وقتی کودک سئوالی داشت که شما نتوانستید به همه ابعاد آن پاسخ گوئید سؤال را بردارند ولی شگفت‌انگیزانه پاسخ دهید . می‌پرسد بچه از کجا بدنیا می‌آید؟ بگوئید کودک از اول خیلی کوچولوست ، در شکم مادر است ، خیلی کوچولو به اندازه این انگشت ، بزرگ میشود ، بدنیا می‌آید ، گریه میکند (ادای گریه کردن بچه در آورید) مادر به او شیر میدهد ، توهم اول این طور بودی گریه میکردی ، شیر خوردی ، بزرگ شدی با زهم بزرگ‌تر میشوی ، می‌خواهم تریه مدرسه بفرستم ، درس بخوانی ، مهندس بشوی ، مهندس میتواند ماشین بسازد ، هواپیما بسازد و . . .

(و برای اساسی از اصل مساله دور میشویم)

۷- هرگز در پاسخ دادن به سؤال اضطراب نشان ندهید و در برابر کنجکاوای کودک خود را نبازید که زبان آن بسیار است .